



doi: [10.30497/ies.2024.245063.2185](https://doi.org/10.30497/ies.2024.245063.2185)



Received: 2023/08/23

Accepted: 2024/01/09

Examining the General Policies of Article 44 of the Constitution of the Islamic Republic of Iran from the Perspective of the Democratic Economy

Adel Paighami*

Hojatollah Abdolmaleki**

Hossein Eivazlu***

Mohammad Javad Sharifzadeh****

Reza Tanhaye Moqaddam Golsheikhi*****

Abstract

Economic democracy is considered as one of the main components of resistive economy. Among the general policies that have been announced so far, the general policies of Article 44 of the Constitution are most closely related to the democratization of the economy, and therefore its study is important from the perspective of the economic democracy. In this research, these policies have been studied from the perspective of economic democracy with a qualitative case study method. For this purpose, first a definition of economic democracy is presented, according to which the priority in democratization of the economy is that the supply of goods and services is done by the private sector and social economy, and the public sector is allowed to enter economic activity only if those two sectors has failed. Regardless of this prioritization, democratization of the economy is done in three axes of ownership, management and sharing and in two levels of macroeconomics and firms. Based on this concept of economic democracy, the general policies of Article 44 of the Constitution have serious shortcomings, and considering the implications of other principles of the Constitution for the democratization of the economy, it is suggested that general policies for the democratization of the economy be formulated.

Keywords: Economic Democracy, Constitution, General Policies of Article 44, Privatization.

JEL Classification: B55, H82, H11, P35

* Associated Professor in Economics. Faculty of Islamic Studies and Economics. Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.

Paighmi@isu.ac

0000-0002-2548-9856

** Associated Professor in Economics. Faculty of Islamic Studies and Economics. Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.

abdolmaleki@isu.ac.ir

0000-0003-4668-0657

*** Associated Professor in Economics. Faculty of Islamic Studies and Economics. Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.

ayvazlou@isu.ac.ir

0000-0002-4147-4654

**** Associated Professor in Economics. Faculty of Islamic Studies and Economics. Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran.

sharifzadeh@isu.ac.ir

0000-0002-6952-182X

***** Associated Professor in Economics. Faculty of Islamic Studies and Economics. Imam Sadiq University, Tehran, I.R.Iran (Corresponding author).

tanhayi@isu.ac.ir

0000-0003-1302-6341

دوفصلنامه علمی «مطالعات اقتصاد اسلامی»، مقاله پژوهشی، سال پانزدهم، شماره دوم (پیاپی ۳۰)، بهار و تابستان ۱۴۰۲، صص. ۴۰۵-۴۳۴

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۹

بررسی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از منظر اقتصاد مردمی

عادل پیغامی*

حجت‌الله عبدالملکی**

حسین عبوضلو***

محمدجواد شریف‌زاده****

رضا تنهایی مقدم گلشخی*****

چکیده

اقتصاد مردمی به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی اقتصاد مقاومتی مطرح است. در میان سیاست‌های کلی که تاکنون ابلاغ شده، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی بیشترین قرابت را با مردمی‌شدن اقتصاد دارد و از این‌رو بررسی آن از منظر اقتصاد مردمی دارای اهمیت است. در این پژوهش بررسی این سیاست‌ها از منظر اقتصاد مردمی با روش موردکاوی کیفی صورت گرفته است. بدین منظور ابتدا تعریفی از اقتصاد مردمی ارائه شده که بر اساس این تعریف، اولویت در مردمی‌سازی اقتصاد این است که تأمین کالاها و خدمات توسط بخش خصوصی و اقتصاد اجتماعی انجام شود و ورود بخش عمومی به فعالیت اقتصادی تنها در صورت شکست دو بخش مذکور مجاز است. صرف‌نظر از این اولویت‌بندی، مردمی‌سازی اقتصاد در سه محور مالکیت، مدیریت و سهم‌بری و در دو سطح اقتصاد کلان و بنگاه انجام می‌شود. بر اساس این مفهوم از اقتصاد مردمی، سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی دارای کاستی‌های جدی است و با توجه به دلالت‌هایی که در سایر اصول قانون اساسی برای مردمی‌سازی اقتصاد وجود دارد، پیشنهاد می‌شود سیاست‌های کلی مردمی‌سازی اقتصاد تدوین گردد.

واژگان کلیدی: اقتصاد مردمی، مردم‌سالاری اقتصادی، قانون اساسی، سیاست‌های کلی اصل ۴۴، بخش خصوصی، اقتصاد اجتماعی، بخش عمومی.

طبقه‌بندی JEL: B55, H82, H11, P35

* دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

Paighmi@isu.ac

0000-0002-2548-9856

** دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

abdolmaleki@isu.ac.ir

0000-0003-4668-0657

*** دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

ayvazlou@isu.ac.ir

0000-0002-4147-4654

**** دانشیار دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

sharifzadeh@isu.ac.ir

0000-0002-6952-182X

***** دانشجوی دکتری علوم اقتصادی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، تهران، جمهوری اسلامی ایران.

(نویسنده مسئول).

tanhayi@isu.ac.ir

0000-0003-1302-6341

مقدمه

یکی از ویژگی‌های اصلی نظام برآمده از انقلاب اسلامی، اتکای آن بر مردم است. این موضوع در حوزه سیاسی در قالب جمهوریت نظام طرح شده است. در حوزه اقتصادی نیز اقتصاد مقاومتی به عنوان الگوی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی ملت ایران دارای مؤلفه‌هایی است که از جمله این مؤلفه‌ها می‌توان به مردمی شدن اقتصاد اشاره نمود.

توجه به نقش مردم در اقتصاد در اسناد بالادستی کشور از قانون اساسی گرفته تا سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مورد توجه بوده؛ اما شاید بتوان سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی را مهم‌ترین سند بالادستی که به‌طور خاص به این مهم توجه نموده برشمرد تا جایی که در ابتدای این سیاست‌ها به‌طور صریح به اهدافی نظیر گسترش مالکیت در سطح عموم مردم، افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی و تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری اشاره شده است.

در این میان اما خلأیی که وجود دارد این است که هنوز مفهوم اقتصاد مردمی به‌طور روشن و واضح تبیین نشده است. به عبارتی کشور در حال حرکت به سمت مقصدی است که تصویر روشنی از آن وجود ندارد؛ لذا در ابتدا لازم است مراد از مردمی شدن اقتصاد (یا به دیگر تعابیر اقتصاد مردمی، اقتصاد مردم‌بنیان، اقتصاد مردم‌سالار، اقتصاد مردم‌محور) را مشخص و شاخص‌های آن را تعریف کرده تا بتوان برای حرکت به سمت آن تعیین مسیر نمود.

چنانچه مفهوم اقتصاد مردمی و ابعاد آن مشخص گردد، بررسی اسناد بالادستی، خصوصاً سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی که به‌طور خاص دغدغه نقش‌آفرینی مردم در اقتصاد را دارد، بر اساس این مفهوم ضروری می‌نماید؛ بنابراین هدف اصلی این پژوهش بررسی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از منظر اقتصاد مردمی می‌باشد. برای این کار از روش موردکاوی کیفی استفاده شده است. بدین منظور ابتدا مراد از اقتصاد مردمی با استفاده از منابع کتابخانه‌ای تبیین گشته (بخش سوم) و در ادامه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی از منظر اقتصاد مردمی در جلساتی بحث و بررسی شده تا ایده‌های مبنایی این سیاست‌ها در خصوص

مردمی‌سازی اقتصاد مشخص گردد. سپس این ایده‌ها بر اساس چهارچوب نظری به دست آمده در بخش قبل نقد و بررسی شده است (بخش چهارم). در نهایت در بخش پنجم نیز نتیجه‌گیری کرده و پیشنهادهای را جهت رفع نقص‌های احتمالی در این سیاست‌ها ارائه می‌نماییم.

۱. پیشینه پژوهش

دغدغه مردمی‌سازی اقتصاد در ادبیات علم اقتصاد، بیشتر ذیل مفهوم مردم‌سالاری اقتصادی^۱ دنبال شده است. پژوهش‌های انجام شده در حوزه مردم‌سالاری اقتصادی، عموماً در دو دسته کلی پژوهش‌هایی که به تبیین این مفهوم پرداخته‌اند و پژوهش‌هایی که به اجرایی‌سازی این مفهوم پرداخته‌اند (پژوهش‌های کاربردی) جای می‌گیرند. پژوهش‌های نظری نیز خود به دو دسته تقسیم می‌شود: پژوهش‌هایی که ایفای نقش مردم را در مقابل ایفای نقش دولت در اقتصاد می‌دانند و پژوهش‌هایی که دولت را تسهیل‌گر نقش‌آفرینی مردم در اقتصاد می‌دانند.

هایک به‌عنوان کسی که در دسته اول پژوهش‌های نظری قرار می‌گیرد، نقش‌آفرینی مردم در اقتصاد را صرفاً از طریق بازارهای آزاد ممکن می‌داند. از نظر وی بازارهای آزاد ضامن ایفای نقش مردم در اقتصاد است و براین اساس دولت باید یک نقش حداقلی، در حد یک ناظر شبانه، در اقتصاد ایفا کند (Hayek, 1944). وی تا جایی ادامه می‌دهد که بهترین قانون (توسط دولت) را قانونی می‌داند که دخالت دولت را به حداقل برساند تا نظم، اخلاق و قواعد خودتنظیم‌گر بازار مسیر تغییرات اجتماعی را تغییر دهد، حتی اگر این مسیر بر خلاف نظر اکثریت باشد (Hayek, 2012, p. 41).

دسته دوم اما وجود دولت را برای ایجاد مردم‌سالاری اقتصادی لازم می‌دانند. ایشان بازار آزاد را موجب تمرکز قدرت و ثروت در دست صاحبان سهام شرکت‌ها و خروج افراد آسیب‌پذیر از دایره تصمیم‌گیری دانسته که باعث از بین رفتن اساس مردم‌سالاری اقتصادی می‌شود (Polanyi, 1944)، درحالی‌که یک اقتصاد مردم‌سالار به دنبال تمرکززدایی و کاهش مقیاس تولید است و لازمه آن توسعه دولت‌های با

جهت‌گیری‌های محلی برای توسعه اقتصادهای محلی است (Murray, 2013). دسته دیگری از پژوهش‌ها نیز کمتر به مباحث نظری پرداخته و بیشتر سعی نموده‌اند تا راه‌هایی برای مردمی‌سازی اقتصاد مدنظرشان ارائه نمایند. انجمن کروئوسورسینگ ویک^۲ با استفاده از تعبیر اقتصاد جمعی^۳ برای مفهوم مورد نظر خود، بر استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات و ایجاد یک سکو (پلتفرم) برای حضور مردم در فرایندهای اقتصادی و حرکت به سمت اهداف سودمند متقابل تأکید دارد. از جمله تعبیر دیگری که ذیل این دسته قرار می‌گیرند می‌توان به اقتصاد سهم‌برانه^۴، اقتصاد همکارانه^۵ یا مصرف همکارانه^۶ اشاره نمود. این تعبیر که همگی معادل یک مفهوم هستند به روابط اقتصادی همتابه‌همتا^۷ که دارای شبکه‌های مردمی مثل بازار به‌جای سلسله مراتب و نهادهای متمرکز بوده (Sundararajan, 2016, pp. 26-27)، اغلب بر بستر فناوری اطلاعات مبتنا داشته (Hamari & et al., 2016) و بر اساس اشتراک، مبادله، یا اجاره محصولات و خدمات با امکان دسترسی به مالکیت (Botsman, 2013) در ازای پرداخت پول یا هرگونه جبران دیگر (Belk, 2014) انجام می‌شود، اشاره دارد. در داخل کشور نیز از آنجایی که واژه اقتصاد مردمی (یا اقتصاد مردم‌بنیان، مردم‌سالار، مردم‌محور) تازه وارد ادبیات اقتصادی کشور شده، عمده پژوهش‌های مرتبط به تبیین و تعریف این مفهوم پرداخته‌اند. در این میان برخی اقتصاد مردمی را «مردم‌سالاری» در تمام فرایندهای اقتصادی می‌دانند (زریباف، ۱۳۹۵) برخی دیگر آن را اقتصادی می‌دانند که در آن از یک‌طرف مردم هدف کلیه فعالیت‌های اقتصادی باشند و از طرف دیگر همین مردم مکلف باشند که این اهداف را برآورده سازند (عبدالملکی، ۱۳۹۵). عده‌ای معتقدند که هرچه یک اقتصاد بتواند نقش‌آفرینی بیشتری برای عموم مردم در پنج رکن مالکیت، مدیریت، مشارکت در تصمیم‌گیری، عاملیت تغییرات و اعمال نظارت ایجاد کند، مردمی‌تر است (خاندوزی، ۱۳۹۵). بعضی دیگر نیز اقتصاد مردمی را مشارکت

-
2. Crowdsourcing Week
 3. Crowd Economy
 4. Sharing Economy
 5. Collaborative Economy
 6. Collaborative Consumption
 7. Peer-to-Peer

بررسی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ج.ا.ایران از... / رضا تنهایی مقدم گلشیخی و دیگران مطالعات اقتصاد اسلامی ۴۰۹

حداکثری مردمی که رفتار و عملشان مقوم نظام سیاسی اسلام (نظام ولایت فقیه) باشد، در اقتصاد می‌دانند (درخشان، ۱۳۹۵).

در کنار پژوهش‌های داخلی که به تعریف و تبیین اقتصاد مردمی پرداخته‌اند، دسته‌ای دیگر از پژوهش‌ها سعی کرده‌اند راهبردها و راهکارهایی برای مردمی‌سازی اقتصاد ارائه دهند. برخی از این پژوهش‌ها بر تعاونی‌ها به‌عنوان راهبرد اصلی مردمی‌سازی اقتصاد تأکید کرده‌اند (مدنی، ۱۳۷۲؛ یوسفی، ۱۳۹۱)، و برخی دیگر نیز خصوصی‌سازی را راهبرد اصلی برای ایجاد یک اقتصاد مردمی می‌دانند (رشیدی، ۱۳۷۷؛ حیدری کرد زنگنه، ۱۳۹۵). صرف‌نظر از دو راهبرد خصوصی‌سازی و تعاونی‌سازی، پژوهشگران دیگری چون یوسفی و غفاری (۱۳۹۵)، شفیعا و موسوی لقمان (۱۳۹۲)، سرخه‌دهی و نادری‌نژاد (۱۳۹۵) و حسینی و سلیمانی (۱۳۹۸) نیز پیشنهادهاتی مانند ترویج گفت‌وگو و ایجاد حساسیت در مردم، تغییر در نهادهای رسمی و غیررسمی جامعه، ایجاد شرایط علی (توانمندسازی و آگاهی‌بخشی) و تقویت شرایط زمینه‌ای (کاهش هزینه‌های مشارکت) را برای مردمی‌سازی اقتصاد ارائه داده‌اند.

۲. مبانی نظری

۲-۱. نقش مردم در اداره جامعه

بحث نقش‌آفرینی مردم در حکومت و اداره جامعه در مغرب زمین تحت عنوان مردم‌سالاری (دموکراسی) یا جمهوری دارای سابقه‌ای طولانی است. به‌طورکلی دو رویکرد به تعریف مردم‌سالاری وجود دارد: رویکردی که مردم‌سالاری را نوعی شیوه حکومت می‌داند و رویکردی که مردم‌سالاری را نوعی شیوه زندگی می‌داند (جاویدی، ۱۳۸۵). رویکرد اول وظیفه حکومت را برپا ساختن جمهوری می‌داند که در آن قانون‌گذاری توسط خود مردم انجام شود (Glickman, 1998). در رویکرد دوم اما مردم‌سالاری نوعی منش زندگی فردی و اجتماعی است (Dewey, 1915) که در آن هر فرد فرصت مناسب برای شکوفاسازی استعدادهايش را دارد، افراد در قدرت و مسئولیت شریک یکدیگرند و مسائل آن از طریق گفتگو و توافق و نه دستور، اجبار یا خشونت حل می‌شود (Seetharolmu & Nangia, 2004).

از منظر علوم جدید جوهر و منشأ مردم‌سالاری را می‌توان حقوقی دانست که انسان‌ها به موجب انسانیت خود دارای آنند. حقوقی از جمله اصالت در برابری انسان‌ها، اصالت فرد، اصالت قانون، اصالت حاکمیت مردم و تأکید بر حقوق طبیعی، مدنی و سیاسی انسان‌ها (بشیریه، ۱۳۸۰، ص. ۱۹). در اسلام نیز عواملی همچون استخلاف و جانشینی انسان بر روی زمین از طرف خدا (صدر، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۰)، وابسته بودن قوام اسلام به خواست مردم (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۸/۰۳/۱۴)، وجود وظایفی بر عهده انسان از جمله مسئولیت مردم نسبت به سرنوشت جامعه، امر به معروف و نهی از منکر و لزوم مبارزه با انحرافات جامعه و مفاهیمی مانند آزادی و حق تعیین سرنوشت (مقام معظم رهبری، ۱۴۰۰/۰۳/۱۴)، بیعت، مشورت^۸، ولایت مردم بر یکدیگر^۹ و حکمیت که از جمله حقوق مردم شمرده شده، می‌تواند به‌عنوان مبنای مردم‌سالاری در نظر گرفته شود. از آنجایی که این عوامل و حقوق در همه ابعاد زندگی اجتماعی و از جمله اقتصاد ساری و جاری است، مردم‌سالاری اقتصادی و حق نقش‌آفرینی مردم در اقتصاد به‌عنوان یک اصل مسلم در نظر اسلام پذیرفته شده است. علاوه‌براین‌ها حق مالکیت - عمومی و خصوصی - که در اسلام محترم شمرده شده نیز به‌طور خاص می‌تواند منشأ نقش‌آفرینی مردم در عرصه اقتصاد باشد.

۲-۲. چستی اقتصاد مردمی

اقتصاد مردمی به‌نوعی به رابطه میان مردم و اقتصاد اشاره داشته و تبیین‌کننده نقش مردم در اقتصاد می‌باشد. بسته به جنس، حد و نوع این رابطه، افراد تعاریف مختلفی از اقتصاد مردمی ارائه کرده‌اند. در مغرب زمین این موضوع تحت عنوان مردم‌سالاری اقتصادی تبیین شده است.

بحث مردم‌سالاری اقتصادی و نقش‌آفرینی مردم در اقتصاد در رویکردها و مکاتب مختلف قابل ردیابی است. رویکرد اول رویکردی است که دالّ مرکزی مردم‌سالاری اقتصادی را آزادی اقتصادی در چهارچوب بازار آزاد می‌داند. این رویکرد بیشتر با

۸. وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ (آل عمران / آیه ۱۵۹)

۹. وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ (توبه / آیه ۷۱)

اقتصادهای لیبرال سرمایه‌داری همخوانی دارد. رویکرد دوم اما بیشتر هویت خود را در نقد به رویکرد اول و اقتصاد سرمایه‌داری می‌بیند و بیشتر بر مفهوم برابری تکیه دارد. در کنار این دو رویکرد، بحث مردم‌سالاری اقتصادی در مکاتب آنارشیسم^{۱۰}، پوپولیسم^{۱۱}، دولت رفاه^{۱۲} و اقتصاد اجتماعی^{۱۳} (یا به تعبیر دیگر اقتصاد بخش سوم^{۱۴}) نیز قابل پیگیری است.

رویکرد لیبرال که خود شامل لیبرالیسم کلاسیک و نئولیبرالیسم می‌شود، بیشتر از آنکه به این فکر کند که «چه کسی باید حکومت کند»، مسئله‌اش شیوه حکومت است. از نظر لیبرالیسم کلاسیک، حکمرانی مطلوب (یا مردم‌سالاری) باید به گونه‌ای باشد که ارزش‌های لیبرال را در جامعه حاکم کند. نکته مهم آن است که این مکتب، مردم‌سالاری سیاسی و مردم‌سالاری اقتصادی را به طور همزمان دنبال می‌کند، یعنی به دنبال پیاده‌سازی توأمان ارزش‌های لیبرالیسم سیاسی و لیبرالیسم اقتصادی است؛ لکن نئولیبرالیسم به طور کلی اولویتش اجرای ارزش‌های لیبرالیسم اقتصادی است و معتقد است لیبرالیسم اقتصادی مقدم بر لیبرالیسم سیاسی است. رویکرد لیبرال، مردم‌سالاری اقتصادی را به هیچ وجه به معنای خواست و اراده اکثریت نمی‌داند و حتی حکومت برخواسته از خواست و اراده اکثریت را مخرب می‌داند^{۱۵} (Hayek, 1979, p. 39). در این نگاه، نظم اجتماعی نه محصول اراده اکثریت که نتیجه فرایندی تکاملی به نام نظم خودجوش^{۱۶} است. نظم خودجوشی که در بستر آزادی‌های فردی افراد شکل می‌گیرد. (Kapeller & Puhlinger, 2012). از آنجایی که بازار آزاد ناشی از کنش‌های جداگانه بسیاری از افراد شکل گرفته که نمی‌دانستند دارند چه کاری انجام می‌دهند، بهترین ابزار شکل‌دهنده نظم خودجوش مبتنی بر آزادی‌های فردی است (Hayek, 1960, p. 115)؛ بنابراین می‌توان گفت مردم‌سالاری اقتصادی در این رویکرد به معنای ایجاد آزادی‌های

10. Anarshism

11. Populism

12. Welfare State

13. Social Economy

14. Third Sector Economy

۱۵. از آنجایی که غالباً مردم‌سالاری به معنای حکومت اکثریت تعریف می‌شود، هایک برای اینکه مردم‌سالاری مدنظرش

با این تعریف گمراه‌کننده اشتباه نشود، از واژه دمارشی (Demarchy) به جای مردم‌سالاری استفاده می‌کند.

16. Spontaneous Order

فردی در بستر بازارهای آزاد است و خروجی آن - هرچه باشد - مردم‌سالاری اقتصادی را در پی خواهد داشت.

رویکرد غیرلیبرال اما هویت اصلی خود را در انتقاد به رویکرد لیبرال تعریف کرده است. اجرای سیاست‌های مدنظر نئولیبرالیسم که با هدف تأمین حداکثر آزادی انجام شده دارای تبعاتی از جمله تمرکز شدید درآمد و ثروت در دست عده‌ای محدود، ناهمگونی در کارآفرینی، افزایش تمایزات درونی طبقه متوسط و به حاشیه رفتن نیروی کار (کاهش سهم کارگر از درآمد ملی) است (Solimano, 2014, pp. 12-14) که در عمل منجر به ایجاد یک دوگان میان آزادی و برابری می‌شود. براین اساس از آنجایی که آزادی مفهومی ناکافی و گمراه‌کننده برای مردم‌سالاری اقتصادی است، باید گزینه بدیلی برای توصیف مردم‌سالاری اقتصادی جستجو نمود (Hahnel, 2012, p. 18). به بیانی می‌توان گفت مردم‌سالاری اقتصادی، سازمان و گزینه‌ای بدیل برای سرمایه‌داری است. از آنجایی که الگوهای جایگزین قرن بیستمی مانند کمونیسم یا سوسیال دموکراسی بازسازی شده دیگر جذابیت نداشتند، جامعه سراغ مردم‌سالاری اقتصادی رفته است (Solimano, 2014, p. 19).

در این رویکرد برای توصیف مردم‌سالاری اقتصادی به جای آزادی بر مفاهیمی همچون خودمدیریتی اقتصادی^{۱۷} و یا بنگاه خودحکمران^{۱۸} تأکید می‌شود. خودمدیریتی اقتصادی به معنای قدرت تصمیم‌گیری هر فرد به نسبت تأثیری که از تصمیم‌های مختلف اقتصادی می‌گیرد، تعریف می‌شود (Hahnel, 2012, p. 19). بنگاه‌های خودحکمران نیز نظامی از بنگاه‌های اقتصادی است که مالکیت جمعی داشته و به صورت مردم‌سالارانه توسط همه کسانی که در آن مشغول به کار هستند اداره می‌شود یعنی تصمیم‌گیری در آن در یک فرایند مردم‌سالارانه با حق رأی برابر همه صورت می‌گیرد (Dahl, 1990, p. 91)؛ البته این رویکرد شامل نحله‌های مختلفی همچون سوسیالیسم بازار^{۱۹}، اقتصاد جامعه‌محور^{۲۰} و اقتصاد مشارکتی^{۲۱} است. سوسیالیسم بازار

17. Economic Self-Management

18. Self-governing Enterprise

19. Market Socialism

20. Community-Based Economics

21. Participatory Economics

معتقد است، مانع اصلی مردمی شدن اقتصاد مالکیت خصوصی است و بنابراین مالکیت ابزار تولید و منابع طبیعی باید عمومی شده و کارگران مالک شرکت‌هایی باشند که در آن کار می‌کنند. کالاهای تولیدی نیز باید در بازارهای رقابتی مبادله شود (Schweickart, 1993, pp. 67-77). از نظر اقتصاد جامعه‌محور مردم‌سالاری اقتصادی با تمرکززدایی از اقتصادهای بزرگ و ملی و تبدیل آن‌ها به جوامع اقتصادی کوچک و خودمختار با امکان تصمیم‌گیری‌های مردم‌سالارانه چهره‌به‌چهره اتفاق می‌افتد (Hahnel, 2005, p. 181). اقتصاد مشارکتی نیز سعی دارد با عمومی‌سازی مالکیت ابزار تولید و مردم‌سالارانه کردن فرایند تخصیص از طریق تعاونی‌ها و راه‌های غیربازاری، نقش مردم در اقتصاد را افزایش دهد (Albert, 2004, pp. 9-14; Albert & Hahnel, 1991, p. 13).

علاوه بر دو رویکرد فوق، آنارشیزم نیز از جمله مکاتبی است که می‌توان ردپایی از نقش‌آفرینی مردم در اقتصاد را در میان آموزه‌های آن جستجو نمود. آنارشیزم به دنبال ایجاد جامعه‌ای است که در آن افراد به‌طور آزاد و برابر با یکدیگر تعامل کنند. در چنین جامعه‌ای انواع کنترل سلسله‌مراتبی - توسط دولت یا صاحبان سرمایه - غیرضروری و مضر بوده (McKay & et al., 2009) و در آن هیچ‌گونه ارباب و سلطانی وجود ندارد (Proudhon & et al., 1970, p. 277). آنارشیست‌ها به دو نحله راست و چپ تقسیم می‌شوند. نحله راست آن‌ها معتقد به گسترش مالکیت خصوصی در تمامی ابعاد جامعه و تأمین همه‌چیز حتی امنیت و قانون در بستر بازار هستند (Stringham, 2007, p. 1)؛ لذا همه امور باید در دست مردم، آن هم از طریق سازوکار بازار باشد و اصولاً هیچ نیازی به وجود دولت نیست (Rothbard, 1998, p. 232). از نظر آنارشیست‌های چپ اما، مردم مایلند - یا آنکه باید - مالکیت خصوصی را طرد کرده و یا به‌شدت آن را محدود کنند. ارزش اساسی برای این نحله برابری طلبی^{۲۲} است و معتقدند که نابرابری، به‌ویژه در ثروت و قدرت، ناخوشایند، غیراخلاقی و از نظر اجتماعی محکوم است (Caplan, 2008). ایشان معتقد به شورش علیه هرگونه قدرت (سیاسی و اقتصادی) هستند تا مردم به‌طور مستقیم یا از طریق تعاونی‌ها و اتحادیه‌های صنفی (سندیکاها) اموراتشان را تأمین نمایند.

دولت رفاه نیز به مقوله مردمی سازی اقتصاد نگاهی کارکردی و نتیجه‌گرا دارد و بیشتر به دنبال این است که مردم از نتایج یک اقتصاد مطلوب بهره‌مند شده و باید رفاه و رضایت قابل قبول را برای مردم فراهم نمود. دولت رفاه در واقع نوعی حکومت است که در آن دولت یا شبکه‌ای از نهادهای اجتماعی نقشی اساسی در حمایت و ارتقاء رفاه اقتصادی اجتماعی شهروندان ایفا می‌کند (Britannica, 2015; Kenton, 2020). نوع محدود این حمایت‌ها در حد اعانات نقدی و یارانه مستقیم خدمات اجتماعی به خانوارهاست و نوع گسترده‌تر آن شامل اموراتی مانند تنظیمات قیمتی (از قبیل کنترل اجاره یا حمایت از قیمت محصولات کشاورزی)، سیاست‌های حوزه مسکن، مقررات‌گذاری در محیط کار، امنیت شغلی و سیاست‌های زیست‌محیطی نیز می‌شود (Lindbeck, 2008; Esping-Andersen, 1990, p. 1).

اقتصاد اجتماعی^{۲۳} نیز از جمله مفاهیمی است که در حوزه مردم‌سالاری اقتصادی و مردمی سازی اقتصاد باید بررسی شود. عموماً واژه‌های اقتصاد بخش سوم^{۲۴}، اقتصاد اجتماعی و اقتصاد هم‌بسته^{۲۵} مترادف یکدیگر به کار می‌روند (Moulaert & Ailenei, 2005). در خصوص تعریف اقتصاد اجتماعی دو رویکرد وجود دارد: رویکرد اول اقتصاد اجتماعی را جدای از بازار می‌بیند. به عبارتی در این رویکرد یک بازار داریم که متشکل از بخش خصوصی (بنگاه‌های کاپیتالیستی) و بخش عمومی (دولت) است و در کنار این بازار و به طور موازی یک اقتصاد اجتماعی داریم. رویکرد دوم اما اقتصاد اجتماعی را نه موازی بازار که یکی از ابعاد آن می‌بیند. در این رویکرد، بازار منحصرأ با بنگاه‌های خصوصی شناخته نمی‌شود بلکه قلمرویی است شامل دولت، بخش تجاری و اقتصاد اجتماعی. تعاریف مختلفی که در خصوص اقتصاد اجتماعی می‌شود در این دو رویکرد قابل ردیابی است (Restakis, 2006). اقتصاد اجتماعی شامل بخش‌های داوطلبانه، غیرانتفاعی و تعاونی است که کاملاً مستقل از دولت عمل می‌کنند (Moulaert & Ailenei, 2005).

خدمت به اعضا یا جامعه به‌جای انباشت سود، مدیریت مستقل (از دولت)،

23. Social Economy

24. Third Sector Economy

25. Solidarity Economy

مردم‌سالارانه بودن فرایند تصمیم‌گیری و تقدم کار و انسان بر سرمایه و سود از جمله اصول اقتصاد اجتماعی است (Ninacs, 2002). اگر نهادهای خصوصی بر مبنای مبادله کالا و خدمات بر اساس ارزش توافق شده برای کسب سود تجاری تعریف می‌شود و اگر عملکرد بخش عمومی بر پایه تأمین کالاهای عمومی و توزیع ثروت با هدف ایجاد عدالت تبیین می‌گردد، اقتصاد اجتماعی نیز بر مبنای «تعامل متقابل»^{۲۶} با هدف توسعه منافع جمعی و هم‌بستگی شکل می‌گیرد. تعامل متقابل به معنای این است که یک عامل اقتصادی (اعم از شخصی یا نهادی) خدمتی را به دیگری ارائه دهد و انتظار داشته باشد که گیرنده خدمت، متقابلاً مشابه همان خدمت را به وی یا به شخص ثالث ارائه کند (Restakis, 2006).
جدول زیر خلاصه نگاه رویکردها و مکاتب مختلف به نقش مردم در اقتصاد را بیان می‌کند:

جدول (۱): نگاه‌ها و رویکردهای مکاتب مختلف به نقش مردم در اقتصاد

مؤلفه‌ها	مکتب / رویکرد
آزادی فردی در چهارچوب بازار	لیبرال سرمایه‌داری
عمومی‌سازی مالکیت ابزار تولید، مالکیت نیروی کار بر بنگاه، توزیع محصول در بازار	سوسیالیزم بازار
تمرکززدایی از اقتصادهای بزرگ، تشکیل جوامع کوچک و خودمختار با مدیریت مردم‌سالارانه	اقتصاد جامعه‌محور
عمومی‌سازی مالکیت ابزار تولید، مردم‌سالارانه کردن مدیریت از طریق راه‌های غیربازاری	اقتصاد مشارکتی
گسترش / نفی مالکیت خصوصی، مدیریت غیرسلسله‌مراتبی و غیرمتمرکز / نفی دولت	آنارشیسم
بهره‌مندی مردم از منافع یک اقتصاد مطلوب	دولت رفاه
توسعه منافع جمعی بدون انگیزه کسب سود از طریق بخش‌های داوطلبانه، غیرانتفاعی و تعاونی	اقتصاد اجتماعی

منبع: (یافته‌های پژوهش)

همان‌گونه که مرور ادبیات نقش مردم در اقتصاد در مکاتب و رویکردهای مختلف

نشان می‌دهد: اولاً، هیچ مکتبی رویکردی جامع به این موضوع نداشته و هرکدام از زاویه دیدی به موضوع نقش مردم در اقتصاد پرداخته‌اند. براین اساس در ادامه سعی می‌شود برداشتی از نقش مردم در اقتصاد ارائه گردد که هم از جامعیت لازم برخوردار بوده و هم دارای انسجام باشد به گونه‌ای که تعارضات و اختلافات رویکردی در این برداشت وجود نداشته باشد؛ لذا تعریف و برداشت مختار از اقتصاد مردمی در قالب چهارچوب ذیل ارائه می‌گردد:



سهم‌بری	توزیع منافع حاصل از بهره‌برداری از منابع طبیعی و اموال عمومی تأمین حداقل‌های یک زندگی برای هر فرد	سهم شدن کارکنان هر بنگاه در منافع ایجاد شده
---------	--	---

منبع: (یافته‌های پژوهش)

شکل (۱): چهارچوب مردمی‌سازی اقتصاد

در یک اقتصاد مردمی اولویت این است که تأمین کالاها و خدمات توسط بخش خصوصی (بازار) و اقتصاد اجتماعی - تحت نظارت و سیاست‌گذاری دولت - انجام شود و در مواردی که این دو بخش دچار شکست می‌شود، بخش عمومی وارد شود. صرف‌نظر از توزیع نقش‌آفرینی میان سه بخش اقتصادی، مردمی شدن اقتصاد و ایجاد مردم‌سالاری اقتصادی باید در محورهای ذیل صورت گیرد:

۱- مالکیت:

- در سطح ملی و اقتصاد کلان: امکان بهره‌مندی عموم مردم از اموال و منابع طبیعی
- در سطح بنگاه: امکان مالکیت کارکنان هر بنگاه اقتصادی بر سهام بنگاه

۲- مدیریت:

- در سطح ملی و اقتصاد کلان: توزیع قدرت تصمیم‌گیری اقتصادی متناسب با حق و مسئولیت افراد در سطوح مختلف درآمدی، جغرافیایی، صنفی، اقشار و...
- در سطح بنگاه: ایجاد فضای نقش‌آفرینی صاحبان عوامل تولید (اعم از کار، سرمایه و...) در اداره بنگاه

۳- سهم‌بری و بهره‌مندی از منافع:

- در سطح ملی و اقتصاد کلان: توزیع منافع حاصل از بهره‌برداری از منابع طبیعی و اموال عمومی به دلیل حق مالکیت و حق تسخیر نوع انسان بر آن منابع و تأمین حداقل‌های یک زندگی برای هر فرد به دلیل وجود حق حیات برای هر انسان.
- در سطح بنگاه: سهم‌شدن کارکنان هر بنگاه - صرف‌نظر از مالک بودن یا نبودن - از منافع ایجاد شده در بنگاه در اثر تلاش کارکنان.

البته اینکه مردمی شدن اقتصاد در هریک از محورهای پیش‌گفته به چه صورت انجام می‌شود بحث دیگری است؛ به‌عنوان مثال مردمی شدن مالکیت می‌تواند به صورت به رسمیت

شناختن مالکیت خصوصی برای آحاد شهروندان، عمومی سازی مالکیت و الغای مالکیت خصوصی، به رسمیت شناختن حق اولویت در بهره برداری و... صورت پذیرد.

۳. ارزیابی سیاست‌های کلی اصل ۴۴

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی در دو مرحله توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی و پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام ابلاغ شده است. مرحله اول این سیاست‌ها در ۴ بخش «الف: سیاست‌های کلی توسعه بخش‌های غیردولتی و جلوگیری از بزرگ شدن بخش دولتی»، «ب: سیاست‌های کلی بخش تعاونی»، «د: سیاست‌های کلی واگذاری» و «ه: سیاست‌های کلی اعمال حاکمیت و پرهیز از انحصار» در خرداد سال ۱۳۸۴ و مرحله دوم شامل بند «ج: سیاست‌های کلی توسعه بخش‌های غیردولتی از طریق واگذاری فعالیت‌ها و بنگاه‌های دولتی» در تیرماه سال ۱۳۸۵ ابلاغ شده است.

شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی، ارتقاء کارایی بنگاه‌های اقتصادی و بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری، افزایش رقابت‌پذیری و کارایی، افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی و تغییر نقش آن از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت، افزایش سطح عمومی اشتغال، تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و بهبود درآمد خانوارها، توسعه سرمایه انسانی دانش‌پایه و متخصص، توانمندسازی بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد و حمایت از آن جهت رقابت کالاها در بازارهای بین‌المللی، آماده‌سازی بنگاه‌های داخلی جهت مواجهه هوشمندانه با قواعد تجارت جهانی، توسعه و ارتقاء استانداردهای ملی و انطباق نظام‌های ارزیابی کیفیت با استانداردهای بین‌المللی از جمله اهدافی است که برای ابلاغ این سیاست‌ها اعلام شده است. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان دو هدف عمده «افزایش رشد اقتصادی» و «افزایش سهم مردم در اقتصاد» را برای ابلاغ این سیاست‌ها برشمرد. راهبردها و سیاست‌های اعلام شده برای نیل به اهداف ذکر شده نیز در راستای

تحقق همین دو هدف عمده است. در ادامه بر اساس چهارچوب به‌دست آمده در بخش قبل، اهداف و راهبردهای بیان شده بررسی می‌شود.

۳-۱. بررسی سیاست‌ها از منظر اولویت‌ها

حسب آنچه بیان شد در یک اقتصاد مردمی اولویت این است که تأمین کالاها و خدمات توسط بخش خصوصی و اقتصاد اجتماعی (بخش سوم) انجام شود. این موضوع به‌طورکلی مورد توجه سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قرار گرفته است. اهدافی نظیر افزایش سهم بخش‌های خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی و تغییر نقش آن از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه به سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت و تشویق اقشار مردم به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری بیان‌گر توجه به افزایش سهم بخش خصوصی و تعاونی در اقتصاد است. باوجوداین در بررسی سیاست‌های ابلاغی از منظر اولویت‌های یک اقتصاد مردمی می‌توان به نکات ذیل اشاره نمود:

۱- نگاه ناقص به اقتصاد اجتماعی یا بخش سوم اقتصاد: همان‌طورکه ذکر شد اقتصاد اجتماعی (بخش سوم) شامل سه بخش است: بخش داوطلبانه، بخش غیرانتفاعی و بخش تعاونی. آنچه در اصل ۴۴ و به‌تبع در سیاست‌های کلی آن آمده صرفاً توجه به بخش تعاونی است. بی‌توجهی به فعالیت‌های داوطلبانه و غیرانتفاعی به معنای غفلت از بخش زیادی از فعالیت‌های مردمی در اقتصاد است که هم پیشینه‌ای در میراث دینی و تمدنی ایران داشته و هم در دنیا در حال رشد است.

۲- ابهام در تعیین ملاک برای تعیین حدود نقش مردم در اقتصاد: در سیاست‌های اعلامی ملاک برای سهم بهینه بخش‌های دولتی و غیردولتی در فعالیت‌های صدر اصل ۴۴ «حفظ حاکمیت دولت»، «استقلال کشور»، «عدالت اجتماعی» و «رشد و توسعه اقتصادی» بیان شده است درحالی‌که اگر از منظر مردمی‌سازی به اصل ۴۴ نگاه کنیم مهم‌ترین ملاک باید شکست بخش خصوصی و اقتصاد اجتماعی باشد، بدین معنا که اصل بر نقش‌آفرینی بخش‌های خصوصی و اقتصاد اجتماعی است مگر اینکه آن بخش‌ها دچار شکست شوند. به‌دلیل همین ابهام در تعیین ملاک برای حد

و اندازه نقش مردم در اقتصاد، در بند «ج» سیاست‌ها و واگذاری ۸۰ درصد از سهام بنگاه‌های دولتی مشمول صدر اصل ۴۴ به بخش‌های خصوصی، شرکت‌های تعاونی سهامی عام و بنگاه‌های عمومی غیردولتی، به شرحی که ذکر شده، مجاز شمرده شده است. مبنای اینکه چرا ۲۰ درصد سهام بنگاه‌های مذکور باید در اختیار دولت باقی بماند مشخص نیست. اگر بخش‌های خصوصی، تعاونی و عمومی غیردولتی توان مدیریت بنگاه‌های مذکور را دارند طبیعتاً می‌توان کلیه سهام بنگاه‌ها را به آن‌ها واگذار نمود و نگره‌داشتن بخشی از سهام در ید دولت معنایی ندارد.

۳-۳- بلاتکلیف گذاشتن بخش عمومی غیردولتی از منظر اقتصاد مردمی: اشکال دیگر سیاست‌ها این است که بخش عمومی غیردولتی از بخش دولتی جدا دانسته شده در حالی که کاهش سهم بخش دولتی و افزایش مابه‌ازای سهم بخش عمومی غیردولتی را نمی‌توان مردمی شدن اقتصاد محسوب نمود؛ لذا به نظر می‌رسد دغدغه اصلی سیاست‌ها، واگذاری مجموعه‌ای از امور اقتصادی توسط دولت بوده و اینکه امور به چه کسی واگذار می‌شود (مردم یا بخش عمومی غیردولتی یا...) مسئله اصلی نبوده است. از منظر اقتصاد مردمی مشکل اصلی، تجمیع منابع و فعالیت اقتصادی در یک حوزه خاص است به گونه‌ای که نوعی انحصار در مقابل ورود مردم شکل گیرد. حال این حوزه می‌تواند دولت باشد یا بخش عمومی غیردولتی یا حتی بنگاه‌های بزرگ و انحصارگر خصوصی.

۲-۳- بررسی سیاست‌ها از منظر محورها

مردمی‌سازی اقتصاد باید در سه محور مالکیت، مدیریت و سهم‌بری و در دو سطح اقتصاد کلان و بنگاه صورت پذیرد. جدول ذیل به‌طور خلاصه ایده سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی برای مردمی‌سازی اقتصاد را نشان می‌دهد:

جدول (۲): ایده سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی برای مردمی‌سازی اقتصاد

محورهای مردمی‌سازی اقتصاد		
محور	در سطح ملی	در سطح بنگاه
مالکیت	گسترش مالکیت در سطح عموم مردم، توسعه مالکیت غیردولتی در در زمینه‌های صدر اصل ۴۴ و تغییر نقش دولت از مالکیت و مدیریت به سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت.	
مدیریت	جلوگیری از انحصار و افزایش رقابت‌پذیری، افزایش سهم تعاونی‌ها و بخش خصوصی و کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت، جلوگیری از نفوذ و سیطره بیگانگان، تشویق مردم به سرمایه‌گذاری، ایجاد تعاونی برای بیکاران، توسعه آموزش و سایر حمایت‌ها به‌منظور توانمندسازی تعاونی‌ها، توانمندسازی بنگاه‌های داخلی، توسعه سرمایه انسانی.	توسعه تعاونی‌ها، توسعه سرمایه انسانی، فروش بخشی از سهام شرکت‌ها به مدیران و کارکنان آن ^{۲۷}
سهام‌بری	بهبود درآمد خانوارها، تقویت تأمین اجتماعی، اختصاص بخشی از درآمدها به: توسعه تعاونی‌های فراگیر به‌منظور فقرزدایی، ایجاد زیرساخت‌های مناطق کمتر توسعه‌یافته، ایجاد تسهیلات و مشارکت برای توسعه مناطق کمتر توسعه‌یافته.	

منبع: (یافته‌های پژوهش)

۲۷. البته از آنجایی که در متن سیاست‌ها، برای این سهام سقف (محدودی) تعیین شده، لزوماً نمی‌توان آن را در راستای مردمی‌سازی بنگاه تعریف نمود.

در ادامه سیاست‌های ابلاغی را بر اساس این محورها بررسی می‌نماییم:

۱- نگاهی به اهداف ابلاغ سیاست‌ها نشان می‌دهد مردمی‌سازی مالکیت در قالب «گسترش مالکیت در سطح عموم مردم» و «تغییر نقش دولت از مالکیت مستقیم بنگاه به سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت» بیان شده است.

• بررسی سیاست‌ها حاکی از این است که ایده‌ای برای عمومی‌سازی مالکیت منابع طبیعی در آن وجود ندارد و در سطح اقتصاد ملی، توجه عمده بر واگذاری مالکیت صنایع و بنگاه‌های بزرگ به بخش عمومی غیردولتی، بخش خصوصی و بخش تعاونی بوده است. به عبارتی دغدغه اصلی واگذاری مالکیت دولت بوده و سازوکارهای لازم برای اینکه مالکیت به معنای واقعی کلمه به عموم مردم منتقل شود به مواردی نظیر فراخوان عمومی و اطلاع‌رسانی مناسب تقلیل یافته است. تنها راهبرد جدی برای نیل به این منظور - صرف‌نظر از درستی و نادرستی آن - تعیین سهم ۲۵ درصدی برای تعاونی‌ها در اقتصاد ایران است.

• در سطح بنگاه نیز سیاست‌هایی نظیر «تعیین سقف برای مالکیت سهامداران در تعاونی‌ها» و «فروش اقساطی حداکثر ۵ درصد سهام شرکت‌های مشمول بند ج به مدیران و کارکنان شرکت‌های فوق»، برای مردمی‌سازی مالکیت در سطح بنگاه پیش‌بینی شده است. اشکال اصلی در این سطح نیز آن است که برای مردمی‌سازی بنگاه‌های اقتصادی موجود، صرف‌نظر از بنگاه‌های واگذار شده توسط دولت، تدبیری اندیشیده نشده است. بدیهی است که بنگاه‌های خصوصی موجود، چنانچه در مالکیت عده‌ای محدود از افراد خاص باشد، شرایط بنگاه مردمی را نخواهد داشت. مردمی‌سازی بنگاه‌های اقتصادی در حوزه مالکیت، می‌تواند هم در حوزه مالکیت عموم مردم بر بنگاه‌ها اتفاق بیفتد و هم در حوزه مالکیت کارکنان هر بنگاه بر آن.

۲- در محور مردمی‌سازی مدیریت اقتصادی نیز اهدافی نظیر «کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی» و «تغییر نقش دولت از مدیریت مستقیم بنگاه به سیاست‌گذاری و هدایت و نظارت» بیان شده است.

• بررسی سیاست‌ها نشان می‌دهد که تأکید ویژه در محور مدیریت اقتصادی بر انتقال

مدیریت بنگاه از دولت به بخش‌های غیردولتی است و لذا سیاست‌ها بر مبنای تسهیل ورود بخش‌های غیردولتی به مدیریت بنگاهی صنایع بزرگ - که در صدر اصل ۴۴ ممنوع بوده - تدوین شده است. این در حالی است که مردمی‌سازی مدیریت اقتصادی در سطح ملی، در درجه اول مستلزم نقش‌آفرینی مردم در مدیریت اقتصاد کلان است؛ لذا این ممکن است که مدیریت همه بنگاه‌های بزرگ دولتی به غیردولت واگذار شود؛ اما هدف اصلی که نقش‌آفرینی مردم در مدیریت کلان اقتصاد کشور است صورت نگیرد. به عبارتی هرچند در سند سیاست‌ها به‌درستی نقش اصلی دولت به سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت محدود شده؛ لکن می‌بایست سیاست‌ها و راهبردهایی در خصوص چگونگی اثرگذاری مردم در حوزه سیاست‌گذاری، هدایت و نظارت در سطح اقتصاد کلان نیز تدوین گردد.

• در سطح مردم‌سالاری در مدیریت اقتصادی بنگاه نیز سیاست‌های ابلاغی ایده‌هایی را همچون توسعه تعاونی‌ها یا توسعه نیروی انسانی بیان کرده که البته صراحتاً نمی‌توان گفت هدف از بیان این ایده‌ها مردمی‌سازی بنگاه‌های اقتصادی بوده است. حسب آنچه در بخش قبل بیان شد اقتضای مردم‌سالاری در سطح بنگاه این است که امکان نقش‌آفرینی صاحبان عوامل تولید و خصوصاً کارکنان بنگاه در اداره آن فراهم شود. در حال حاضر و بر اساس قانون تجارت، تنها صاحبان سرمایه شرکت (سهامداران) می‌توانند مدیران را انتخاب نمایند در حالی که بر اساس عقود نظیر مضاربه و امثال آن، اصل بر این است که مدیریت بنگاه توسط صاحب نیروی کار انجام شود.

۳- سهم‌بری و بهره‌مندی مردم از منافع اقتصادی نیز از دیگر محورهای یک اقتصاد مردمی است. مردمی‌شدن یک اقتصاد در سطح ملی مستلزم این است که مردم از منافع کلان اقتصاد بهره‌مند شده و حداقل‌های یک زندگی را دارا باشند. در سطح بنگاه نیز کارکنان هر بنگاه باید در منافی که در اثر تلاش ایشان ایجاد شده سهمی باشند. موضوع سهم‌بری به‌طور ویژه در هدف «بهبود درآمد خانوارها» مورد نظر قرار گرفته است:

• موضوع سهم‌بری مردم از منافع اقتصادی در سطح ملی در «بند د» سیاست‌های ابلاغی و ذیل سرفصل مصارف درآمدهای حاصل از واگذاری مورد توجه قرار

گرفته است. از منظر اقتصاد مردمی اشکال اساسی این سرفصل این است که به وجوه حاصل از واگذاری بنگاه‌های دولتی محدود شده و در خصوص منافع حاصل از بهره‌برداری از منابع طبیعی و سایر اموال عمومی سکوت کرده است. همچنین صرف‌نظر از سیاست‌های توزیعی عواید حاصل از بهره‌برداری منابع طبیعی و اموال عمومی برخورداری از حداقل‌های اقتصادی یک زندگی حق هر انسانی است و مردمی شدن اقتصاد مستلزم این است که این حق برای همه مردم یک جامعه فراهم شود. در سیاست‌های ابلاغی این مهم از طریق «تأسیس تعاونی‌های فراگیر ملی برای تحت پوشش قرار دادن سه دهک اول جامعه به منظور فقرزدایی» و تأکید بر مصرف عواید حاصل از واگذاری بنگاه‌های دولتی برای تقویت این تعاونی‌ها و رفع فقر و محرومیت و توسعه زیرساخت‌های مناطق کمتر توسعه‌یافته محل توجه واقع شده است؛ لکن با وجود این باز هم تضمینی وجود ندارد که اجرای دقیق سیاست‌های ذکر شده منجر به رفع کامل فقر و تأمین حداقل‌های زندگی برای همه مردم شود.

• سهم‌بری کارکنان بنگاه‌ها از عواید و منافع اقتصادی بنگاه نیز اساساً در سیاست‌های ابلاغی مورد توجه قرار نگرفته است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به دنبال آن بودیم تا سیاست‌های کلی ابلاغی اصل ۴۴ قانون اساسی را از منظر اقتصاد مردمی بررسی کنیم. برای این منظور ابتدا چهارچوبی مفهومی از اقتصاد مردمی ارائه شد. حسب این چهارچوب، اقتصاد مردمی اقتصادی است که در آن اولویت تأمین کالاها و خدمات با بخش خصوصی و اقتصاد اجتماعی باشد و چنانچه این دو بخش دچار شکست شد بخش عمومی وارد شود. علاوه بر این اولویت‌بندی، مردمی‌سازی اقتصاد در سه محور مالکیت، مدیریت و سهم‌بری مردم اتفاق می‌افتد که هر محور دارای دو سطح اقتصاد کلان و سطح بنگاه است. بر اساس این چهارچوب سیاست‌های کلی اصل ۴۴ مورد بررسی قرار گرفت. نتیجه بررسی حاکی از این است که ابلاغ این سیاست‌ها دارای دو هدف عمده «افزایش رشد اقتصادی» و «افزایش

سهام مردم در اقتصاد» بوده؛ لکن واگذاری بنگاه‌های دولتی صدر اصل ۴۴ بر پیگیری این دو هدف سایه افکننده به طوری که می‌توان گفت سیاست‌های ابلاغی در راستای تحقق اقتصاد مردمی دارای نواقص و کاستی‌های جدی است. از جمله این نواقص می‌توان به نداشتن یک تصویر روشن از اقتصاد مردمی، تقلیل اقتصاد اجتماعی به بخش تعاونی و عدم توجه به بخش‌های داوطلبانه و غیرانتفاعی، عدم تفکیک میان بخش عمومی غیردولتی با بخش خصوصی و تعاونی، عدم توجه به مردم‌سالاری در سطح بنگاه، عدم توجه به فعالیت‌های اقتصادی به غیر از آنچه در صدر اصل ۴۴ آمده و سایر موارد اشاره نمود.

ناگفته نماند نقش مردم در اقتصاد در قانون اساسی صرفاً در اصل ۴۴ خلاصه نمی‌شود. این موضوع در اصول دیگری از جمله اصول ۲۸، ۲۹، ۳۱، ۴۳، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۵۰ و... مطرح شده که با استفاده از آن می‌توان بخشی از کاستی‌های موجود در اصل ۴۴ را جبران نمود؛ به عنوان مثال در اصل ۴۳ قانون اساسی که ضوابط اقتصاد جمهوری اسلامی را بیان می‌کند دلالت‌هایی روشن بر مردمی‌سازی اقتصاد دارد. از جمله این دلالت‌ها تضمین حداقل‌های بهره‌مندی مردم از منابع، توجه به مالکیت و مدیریت اقتصادی عموم مردم از طریق نفی انحصار، منع تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص و ممانعت از تبدیل شدن دولت به یک کارفرمای بزرگ، تأمین آزادی‌های اقتصادی در سطح فردی و ملی، ترجیح تأمین لوازم کار برای همه از طریق تعاونی^{۲۸} و... می‌باشد. علی‌رغم همه این‌ها باز هم موارد تعیین تکلیف نشده دیگری باقی می‌ماند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود سیاست‌های کلی مردمی‌سازی اقتصاد بر اساس یک تعریف جامع از اقتصاد مردمی متناسب با ظرفیت‌های قانون اساسی و هماهنگ با سایر اسناد بالادستی تدوین گردد.

۲۸. به نوعی می‌توان گفت که بند دوم اصل ۴۳ قانون اساسی خویش فرمایی و تعاونی را بر کارکردن در قالب شرکتی ترجیح می‌دهد. این رجحان می‌تواند تا حدی به تحقق مردم‌سالاری در محیط بنگاه بیانجامد.

کتابنامه

قرآن کریم.

حسینی، سیدحسین و سلیمانی، محمد (۱۳۹۸). الگوی مشارکت مردم در اقتصاد با تأکید بر اندیشه امام خمینی. معرفت اقتصاد اسلامی، (۱۱).

حیدری کرد زنگنه، غلامرضا (۱۳۹۵). جایگاه مردم در خصوصی‌سازی‌های اقتصاد ایران. سخنرانی در دوره اقتصاد مردم‌بنیاد. تهران: به همت مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

خامنه‌ای، سیدعلی (۱۴۰۰/۳/۱۴). سخنرانی تلویزیونی مقام معظم رهبری به مناسبت سی و دومین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه).

خاندوزی، سیداحسان (۱۳۹۵). ارزیابی عملکرد دولت‌های پس از انقلاب در مردم‌محور کردن اقتصاد. سخنرانی در دوره اقتصاد مردم‌بنیاد. تهران: به همت مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

خطبه‌های نماز جمعه در دهمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه)، ۱۴/۰۳/۱۳۷۸. درخشان، مسعود (۱۳۹۵). الگوی مشارکت مردم. سخنرانی در دوره اقتصاد مردم‌بنیاد. تهران: به همت مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

رشیدی، علی (۱۳۷۷). تأمین اجتماعی در اقتصاد مردم‌سالار. فصلنامه رفاه اجتماعی، ۲(۵)، ۴۷-۷۰.

زریباف، سیدمهدی (۱۳۹۵). تفاوت‌های مردمی‌سازی با خصوصی‌سازی. سخنرانی در دوره اقتصاد مردم‌بنیاد. تهران: به همت مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

سرخ‌دهی، فاطمه و نادری‌نژاد، ریحانه (۱۳۹۵). اقتصاد مردمی نقطه مشترک اقتصاد مقاومتی و الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: پنجمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت.

شفیعا، محمدعلی و موسوی لقمان، سیده‌اشرف (۱۳۹۲). نقش مردم در پیشرفت اقتصادی در اندیشه‌های مقام معظم رهبری. اقتصاد اسلامی، ۱۳(۵۱)، ۳۵-۶۲.

صدر، سیدمحمدباقر (۱۳۹۴). اسلام راهبر زندگی. ترجمه مهدی زندیه، قم: انتشارات دارالصدر.

عبدالملکی، حجت‌الله (۱۳۹۵). ارتباط اقتصاد مردم‌محور با اقتصاد منطقه‌ای. سخنرانی در دوره اقتصاد مردم‌بنیاد. تهران: به همت مرکز تحقیقات بسیج دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام).

مدنی، علی‌اکبر (۱۳۷۲). تعاونی راهی به جامعه سالم. تهران: انتشارات وزارت تعاون.

بررسی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی ج.۱، ایران از... / رضا تنهایی مقدم گلشیخی و دیگران مطالعات اقتصاد اسلامی ۴۲۷

یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۱). الگوی مردم‌سالاری اقتصادی، بستر آزادی اقتصادی. اقتصاد اسلامی، ۱۲(۴۸)، ۵۳-۷۶.

یوسفی، احمدعلی و غفاری، مجتبی (۱۳۹۵). نقش مردم در اقتصاد مقاومتی (تأکید بر بیانات رهبر معظم انقلاب). دوفصلنامه پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی، ۱(۱).

Albert, Michael (2004). *Parecon. Life after capitalism / Michael Albert*. London: Verso.

Albert, Michael & Hahnel, Robin (1991). *Looking forward. Participatory economics for the twenty first century / Michael Albert & Robin Hahnel*. Boston, MA: South End Press.

Belk, Russell (2014). You Are What You Can Access. Sharing and Collaborative Consumption Online. *In Journal of Business Research*, 67(8), 1595-1600.

Botsman, Rachel (2013). *The Sharing Economy Lacks A Shared Definition*. In Fast Company, 11/21/2013. Available online at <https://www.fastcompany.com/3022028/the-sharing-economy-lacks-a-shared-definition#8>, checked on 6/13/2021

Britannica, T. Editors of Encyclopaedia (2015, August 21). Welfare state. Encyclopedia Britannica. <https://www.britannica.com/topic/welfare-state>

Caplan, Bryan (2008). *Anarchist Theory FAQ Version 5.2*. Available online at <https://econfaculty.gmu.edu/bcaplan/anarfaq.htm>, updated on 10/2/2008, checked on 5/5/2021

Dahl, Robert Alan (1990). *Preface to Economic Democracy*. Berkeley: Univ Of California Press.

Dewey, J. (1915). *Democracy and Education; An Introduction to the Philosophy of Education*. (2014 edition), Edited by K. Kumar, Delhi: Aakar Books.

Esping- Andersen, G. (1990). *The Three Worlds of Welfare Capitalism*. Polity Press, Cambridge.

Glickman, C. D. (1998). *Revolutionizing America's School*. New York: Jossey-Bass Publishers Press.

Hahnel, Robin (2005). *Economic Justice and Democracy, From competition to cooperation*. New York: Routledge.

Hahnel, Robin (2012). *Of the people, by the people*. The case for a participatory economy. s.l., s.l.: Soap Box; AKPr.

Hamari, Juho; Sjöklint, Mimmi & Ukkonen, Antti (2016). The Sharing Economy. Why People Participate in Collaborative Consumption. *In J Assn Inf Sci Tec*, 67(9), 2047-2059.

Hayek, Friedrich A. (1944). *The Road to Serfdom: University of Chicago Press*.

Hayek, Friedrich A. von (1960). *The Constitution of Liberty*. The definitive edition. University of Chicago Press.

Hayek, Friedrich A. von (1973). Rules and order. A new statement of the liberal principles of justice and political economy. *Chicago: University of Chicago Press Law, legislation, and liberty*, (1).

Hayek, Friedrich A. von (1979). *Law, Legislation and Liberty*. Volume 3: The

- political order of a free people. London: Routledge & Kegan Paul.
- Hayek, Friedrich A. (2012). *Law, Legislation and Liberty*. Volume 1. Rules and Order. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Kapeller, Jakob & Puehringer, Stephan (2012). *Democracy in liberalism and neoliberalism The case of Popper and Hayek*. Johannes Kepler University, Institute for Comprehensive Analysis of the Economy. (ICAE Working Papers 10).
- Kenton, W. (2020). *Welfare State*. Investopedia. <https://www.investopedia.com/terms/w/welfare-state.asp>.
- Lindbeck A. (2008). *Welfare State*. In: Palgrave Macmillan (eds) *The New Palgrave Dictionary of Economics*. Palgrave Macmillan, London. https://doi.org/10.1057/978-1-349-95121-5_1588-2
- McKay, I.; Elkin, G.; Neal, D. & Boraas, E. (2009). *The Anarchist FAQ Editorial Collective*. In <https://theanarchistlibrary.org/>
- Moulaert, Frank & Ailenei, Oana (2005). Social Economy, Third Sector and Solidarity Relations. A Conceptual Synthesis from History to Present. In *Urban Studies*, 42(11), 2037–2053.
- Murray, Michael (2013). *Economic Democracy*. Germany: University Library of Munich (MPRA Paper 49755).
- Ninacs, William (2002). *A Review of the Theory and Practice of Social Economy*. Économie Sociale in Canada. In SRDC Working Paper Series 02-02.
- Polanyi, Karl (1944). *The Great Transformation*. New York: Rinehart.
- Proudhon, P-J.; Woodcock, George & Tucker, Benjamin Ricketson (1970). *What is property? An inquiry into the principle of right and of government*. New York: Dover Publications Inc (The Dover anarchy library).
- Restakis, John (2006). *Defining the Social Economy*. The BC Context. In *British Columbia Social Economy Roundtable*.
- Rothbard, Murray N. (1998). *The ethics of liberty*. New York: New York University Press.
- Schweickart, David (1993). *Against Capitalism*. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Seetharolmu, A. & Nangia, S. (2004). *Philosophies of Education*. New Delhi: Ashish Publishig house.
- Solimano, Andres (2014). *Economic elites, crises, and democracy: alternatives beyond neoliberal capitalism*. New York: Oxford University Press.
- Stringham, Edward (2007). *Anarchy and the law*. The political economy of choice / edited by Edward P. Stringham. New Brunswick: Transaction; [London : Eurospan (Independent studies in political economy)].
- Sundararajan, Arun (2016). *The sharing economy*. The end of employment and the rise of crowd-based capitalism / Arun Sundararajan. Cambridge, Massachusetts: The MIT Press.

References

- Abdolmaleki, Hojjatollah (1395). Ertebat-e Eghtesad-e Mardom-Mahor ba Eghtesad-e Manatqi. Sokhanrani dar Doreh-ye Eghtesad-e Mardom-Banid. Be Hammet Markaz-e Tahqiqat-e Basij Daneshgah-e Imam Sadeq (A) Tehran. (In Persian)
- Albert, Michael & Hahnel, Robin (1991). Looking forward. Participatory economics for the twenty first century / Michael Albert & Robin Hahnel. Boston, MA: South End Press.
- Albert, Michael (2004). Parecon. Life after capitalism / Michael Albert. London: Verso.
- Bashirieh, Hossein (1380). Dars-haye Demokrasi baraye Hame, Tehran: Negah-e Mo'aser. (In Persian)
- Belk, Russell (2014). You Are What You Can Access. Sharing and Collaborative Consumption Online. In Journal of Business Research, 67(8), 1595–1600.
- Botsman, Rachel (2013). The Sharing Economy Lacks A Shared Definition. In Fast Company, 11/21/2013. Available online at <https://www.fastcompany.com/3022028/the-sharing-economy-lacks-a-shared-definition#8>, checked on 6/13/2021
- Britannica, T. Editors of Encyclopaedia (2015, August 21). Welfare state. Encyclopedia Britannica. <https://www.britannica.com/topic/welfare-state>
- Caplan, Bryan (2008). Anarchist Theory FAQ Version 5.2. Available online at <https://econfaculty.gmu.edu/bcaplan/anarfaq.htm>, updated on 10/2/2008, checked on 5/5/2021
- Dahl, Robert Alan (1990). Preface to Economic Democracy. Berkeley: Univ Of California Press.
- Darakhshan, Masoud (1395). Alghooye Mosharekat-e Mardom. Sokhanrani dar Doreh-ye Eghtesad-e Mardom-Banid. Be Hammet Markaz-e Tahqiqat-e Basij Daneshgah-e Imam Sadeq (A) Tehran. (In Persian)
- Dewey, J. (1915). Democracy and Education; An Introduction to the Philosophy of Education. (2014 edition), Edited by K. Kumar, Delhi: Aakar Books.
- Esping- Andersen, G. (1990). The Three Worlds of Welfare Capitalism. Polity Press, Cambridge.
- Glickman, C. D. (1998). Revolutionizing America's School. New York: Jossey-Bass Publishers Press.
- Hahnel, Robin (2005). Economic Justice and Democracy, From competition to cooperation. New York: Routledge.
- Hahnel, Robin (2012). Of the people, by the people. The case for a participatory economy. s.l., s.l.: Soap Box; AKPr.
- Hamari, Juho; Sjöklint, Mimmi & Ukkonen, Antti (2016). The Sharing Economy. Why People Participate in Collaborative Consumption. In J Assn Inf Sci Tec, 67(9), 2047–2059.
- Hayek, Friedrich A. (1944). The Road to Serfdom: University of Chicago Press.
- Hayek, Friedrich A. (2012). Law, Legislation and Liberty. Volume 1. Rules and Order. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Hayek, Friedrich A. von (1960). The Constitution of Liberty. The definitive edition. University of Chicago Press.

- Hayek, Friedrich A. von (1973). Rules and order. A new statement of the liberal principles of justice and political economy. Chicago: University of Chicago Press Law, legislation, and liberty, (1).
- Hayek, Friedrich A. von (1979). Law, Legislation and Liberty. Volume 3: The political order of a free people. London: Routledge & Kegan Paul.
- Heydari Kord Zangeneh, Gholam Reza (1395). Jaygah-e Mardom dar Khusoosizayi-haye Eghtesad-e Iran. Sokhanrani dar Doreh-ye Eghtesad-e Mardom-Banid. Be Hammet Markaz-e Tahqiqat-e Basij Daneshgah-e Imam Sadeq (A) Tehran. (In Persian)
- Hosseini, Seyed Hossein; Soleimani, Mohammad (1398) Alghooye Mosharekat-e Mardom dar Eghtesad ba Takid bar Andisheh-ye Imam Khomeini: Ma'refat-e Eghtesad-e Islami, (11). (In Persian)
- Javidi Kalateh Jafarabadi, Tahereh (1385). Kandookavi dar Ab'ad va Gostareh Mafhoom-e Demokrasi: Majalleh-ye Jameh-shenasi-ye Iran, (7). (In Persian)
- Kapeller, Jakob & Puehringer, Stephan (2012). Democracy in liberalism and neoliberalism The case of Popper and Hayek. Johannes Kepler University, Institute for Comprehensive Analysis of the Economy. (ICAE Working Papers 10).
- Kenton, W. (2020). Welfare State. Investopedia. <https://www.investopedia.com/terms/w/welfare-state.asp>.
- Khandoozi, Seyed Ehsan (1395). Arzyabi-ye Amalkard-e Dolat-haye Pas az Enqelab dar Mardom-Mahor Kardan-e Eghtesad. Sokhanrani dar Doreh-ye Eghtesad-e Mardom-Banid. Be Hammet Markaz-e Tahqiqat-e Basij Daneshgah-e Imam Sadeq (A) Tehran. (In Persian)
- Khutbeh-haye Namaz-e Jom'e dar Dahomin Salgardi Rahlat-e Imam Khomeini (Rahmatullah), 14/03/1378. (In Persian)
- Lindbeck A. (2008). Welfare State. In: Palgrave Macmillan (eds) The New Palgrave Dictionary of Economics. Palgrave Macmillan, London. https://doi.org/10.1057/978-1-349-95121-5_1588-2
- Madani, Ali Akbar (1372). Ta'avi-ni Rahi be Jame'e Salim. Tehran: Entesharat-e Vezerat-e Ta'avi. (In Persian)
- McKay, I.; Elkin, G.; Neal, D. & Boraas, E. (2009). The Anarchist FAQ Editorial Collective. In <https://theanarchistlibrary.org/>
- Moulaert, Frank & Ailenei, Oana (2005). Social Economy, Third Sector and Solidarity Relations. A Conceptual Synthesis from History to Present. In Urban Studies, 42(11), 2037–2053.
- Murray, Michael (2013). Economic Democracy. Germany: University Library of Munich (MPRA Paper 49755).
- Ninacs, William (2002). A Review of the Theory and Practice of Social Economy. Économie Sociale in Canada. In SRDC Working Paper Series 02-02.
- Polanyi, Karl (1944). The Great Transformation. New York: Rinehart.
- Proudhon, P-J.; Woodcock, George & Tucker, Benjamin Ricketson (1970). What is property? An inquiry into the principle of right and of government. New York: Dover Publications Inc (The Dover anarchy library).
- Rashidi, Ali (1377). Ta'min-e Ejtemai dar Eghtesad-e Mardom-Salar: Faslnama-ye Refah-e Ejtemai 2(5), ss. 70-47. (In Persian)
- Restakis, John (2006). Defining the Social Economy. The BC Context. In

- British Columbia Social Economy Roundtable.
- Rothbard, Murray N. (1998). The ethics of liberty. New York: New York University Press.
- Sadr, Mohammad Baqer (1394). Islam Rahbar-e Zendegi, (Tarjomeh-ye Mahdi Zandiyeh), Qom: Entesharat-e Dar al-Sadr. (In Persian)
- Sarakhdahi, Fatemeh; Naderi-Nejad, Reyhaneh (1395). Eghtesad-e Mardomi Noghteh-ye Moshtarak-e Eghtesad-e Moqavemati va Alghooye Islami Irani Pishraft. Panjomin Konferans-e Alghooye Islami Irani Pishraft. Tehran. (In Persian)
- Schweickart, David (1993). Against Capitalism. Cambridge, UK: Cambridge University Press.
- Seetharolmu, A. & Nangia, S. (2004). Philosophies of Education. New Delhi: Ashish Publishig house.
- Shafii'a, Mohammad Ali; Mousavi Laghman, Seyedeh Ashraf (1392). Naqsh-e Mardom dar Pishraft-e Eghtesadi dar Andisheh-haye Maqam-e Mo'azzam-e Rahbari: Eghtesad-e Islami 13(51), 62-35. (In Persian)
- Sokhanrani Televisooni-ye Maqam-e Mo'azzam-e Rahbari be Monasebat-e Si o Dovomin Salgardi Rahlat-e Imam Khomeini (Rahmatullah), 14/03/1400. (In Persian)
- Solimano, Andres (2014). Economic elites, crises, and democracy: alternatives beyond neoliberal capitalism. New York: Oxford University Press.
- Stringham, Edward (2007). Anarchy and the law. The political economy of choice / edited by Edward P. Stringham. New Brunswick: Transaction; [London : Eurospan (Independent studies in political economy).
- Sundararajan, Arun (2016). The sharing economy. The end of employment and the rise of crowd-based capitalism / Arun Sundararajan. Cambridge, Massachusetts: The MIT Press.
- Yousefi, Ahmad Ali (1391). Alghooye Mardom-Salari Eghtesadi, Baster-e Azadi-ye Eghtesadi: Eghtesad-e Islami 12(48), 76-53. (In Persian)
- Yousefi, Ahmad Ali; Ghafari, Mojtaba (1395). Naqsh-e Mardom dar Eghtesad-e Moqavemati (Takid bar Beyanat-e Rahbar-e Mo'azzam-e Enqelab): Do Faslnama-ye Pajooresh-haye Eghtesad-e Moqavemati 1(1). (In Persian)
- Zaribaf, Seyed Mahdi (1395). Tafavot-haye Mardomi-Sazi ba Khususizayi. Sokhanrani dar Doreh-ye Eghtesad-e Mardom-Banid. Be Hammet Markaz-e Tahqiqat-e Basij Daneshgah-e Imam Sadeq (A) Tehran. (In Persian)

